

گزارش موقعیت کنونی زبان فارسی در کشمیر

غلام رسول جان*

سرزمین کشمیر در یکی از مناطق شمالی هند و در میان کوه‌های سر به فلک کشیده هیمالیا واقع شده است. این سرزمین، به واسطه طراوت و شادابی و مناظر طبیعی زیبا به عنوان «فردوس روی زمین» نامیده می‌شود. کشمیر، نه فقط از حُسن و جمال ازلی پرمحتوی است، بلکه از نظر جایگاه معنوی و توجّه به علوم و ادب و فرهنگ نیز خیره‌کننده است. کشمیر، یکی از تمدن‌های قدیم به‌شمار می‌رود. روابط بین تمدن کشمیر و خطه‌های متمدن عالم از قدیم برقرار بوده است. این رشته‌های ناگسستگی در زمینه‌های تجاری، علمی و فرهنگی در گذر زمان برقرار ماند. با ورود دین مبین اسلام به کشمیر در سده ۸۰۰ هجری/۱۰۱۴ میلادی، افکار تازه و نظریات جدید به این سرزمین وارد شد؛ بلکه می‌توان گفت که فرهنگی نو را تشکیل داد که از جهت سیاسی، زبانی، معاشرتی و فرهنگی مهم بود و در مرتبط نمودن این جهات نوین زبان فارسی نقطه پرگار بود. چنانچه ورود اسلام در کشمیر به‌مساعی جمیله بعضی از بزرگان دین و صوفیان عظام صورت گرفت که از ایران و بعضی از نقاط آسیای میانه، که مراکز زبان و ادبیات فارسی و گهواره علم و ادب بوده‌اند، به کشمیر قدم رنجه فرمودند و به‌توسط زبان فارسی مردمان کشمیر از حقایق و معارف دینی روشناس شدند. بعضی از رهنمایان دین و صوفیان کرام در کشمیر مدارس و مراکز علمی دایر کردند و جوامع و خانقاه‌های متعدّد به‌وجود آوردند. چنانچه در این مراکز علم و ادب و سرچشمه‌های عرفان و آگهی، زبان فارسی برای عامه مردمان زبان رابطه قرار گرفت و تحت سرپرستی

* استادیار زبان فارسی مرکز مطالعات آسیای میانه دانشگاه کشمیر، سرینگر.

پادشاهان محلی زبان و ادبیات فارسی رواج زیاد پیدا کرد و رسماً زبان دولتی قرار گرفت. نتیجه آن که سرزمین کشمیر که مردم خیز بود، سرمایه علمی و ذخیره ادبی فراهم کرد.

زبان و ادبیات فارسی در کشمیر، تاریخ پانصد ساله دارد و در این مدت هزارها تن از شعرا و ادبا و علما و فضلا در هر میدان علمی و ادبی شاهکارهای شعری و نثری از خود باقی گذاشتند. درست است که زبان و ادبیات فارسی الآن در کشمیر همان رونق و مقام والای اولین را ندارد که تقریباً تا شصت سال پیش داشت؛ اما باز هم اثر و نفوذ خود را برقرار دارد. از عوامل مهمی که در کم کردن موقعیت و ضعف و اضمحلال این زبان نقش داشت این بود که زبان فارسی در کشمیر زبان دولتی و رسمی نماند و زبان اردو و انگلیسی جایش را گرفت. زبان فارسی، زبان عشق و روح است. اثر نفوذ این زبان که بر قلب و ذهن مردمان کشمیر از قدیم می بود، نمی توانست به این زودی از بین برود. اگرچه زبان فارسی الآن زبان رسمی نیست، اما این زبان بر دل و دماغ مردمان چنان تسلط یافته بود که فرمانروایی زبان اردو و انگلیسی را تا مدتی قبول نکرد. زبان فارسی که پر از سرمایه معنوی است، مردمان کشمیر را به تخمیر معنوی، اخلاقی و اقدار عالی آکنده داشت. به همین سبب بود که مردمان کشمیر، خواه مسلمان یا غیرمسلم، بعد از سواد قرآن کریم از شاهکارهای علمی و معنوی مثل گلستان سعدی، پنج گنج نظامی، هفت اورنگ جامی، مثنوی مولانا و شاهنامه فردوسی از لحاظ دینی، اخلاقی، فلسفی و روحی بهره می گرفتند.

کشمیریان گلستان و بوستان را به عنوان یک خمیر معنوی دلالت می کردند و هر دو را برای حیات سازی لازم می شمردند که انسان را به بشردوستی، اخلاق، عادات و اطوار و خصائل نیک و اقدار بلند وادار می کند. منشیان، مترسلان و دبیران در منشآت خود، در حسن عبارات و تزئین کلمات، از گلستان استفاده می کردند. پیران کهنسال و معمران کشمیر از گلستان و بوستان، ضرب الامثال و محاورات را در کلام و کلمات خود استمداد می نمودند. نعوت و مناقب شعرای نامور فارسی مثل مولانا جامی را از بر می کردند و در مساجد و جوامع می سرودند. این امر، الآن هم در کشمیر به نظر می رسد. در فصل زمستان، با سرودن جنگ نامه ها و مثنویات رزمیه و بزمیه خصوصاً

شاهنامه فردوسی شدت سرما را حس نمی‌کردند. همین‌طور مثنوی معنوی را که «هست قرآن در زبان پهلوی» عامه خلاق کشمیر از لحاظ احکام دینی و شرعی تحت نظر می‌گرفتند و شاهکارهای دیگر فارسی را به‌درس و تدریس افتخار می‌داشتند. از این جهت گویا در خانواده‌ها یک فضای سازگار و موافق میسر می‌آمد که برای ترویج زبان و ادب هم مؤثر می‌بود و از این بوی خوش فضا معطر شد. مختصر اینکه زبان فارسی که فرهنگ یک جامعه بود الآن هم ششصد سال می‌گذرد که این زبان اثر و نفوذ خود را برقرار می‌دارد. عامه مردمان اگر نمی‌توانستند به‌زبان فارسی آزادانه صحبت بکنند اما آنان از فارسی نابلد نبودند. در زبان کشمیری تقریباً شصت در صد واژه‌های فارسی مستعمل‌اند که کشمیریان آنها را به‌کار می‌برند. بر اثر همین عوامل زبان فارسی در کشمیر چنان رواج گرفته بود که در کشمیر الآن هم سنگ مزارها، نکاح‌نامه‌های سنتی، دستاویزها و فرامین و قطعه‌های تاریخی را به‌زبان فارسی می‌نگارند و می‌توان گفت که یک فرهنگ دوزبانه در کشمیر وجود دارد. لازم است که این فرهنگ را محافظت بکنیم و کتابی واحد تألیف بشود یا سایت‌هایی به‌وجود آورده شود که حاوی واژه‌های دوزبانه باشد تا بتوانیم آموزش زبان فارسی را به‌خوبی انجام بدهیم. این یکی از ضرورت‌های آموزش زبان فارسی و کشمیری هم می‌باشد.

اگرچه در کشمیر زبان فارسی در بین عامه مردمان و در خانواده‌ها همان مقام والا و شامخ اولی را ندارد اما از طرف دولت اسباب و وسایل فراهم‌اند که برای ترویج زبان و ادبیات مُمَد و معاون باشند. ناگفته نماند که در ایالت جامو و کشمیر علاوه بر یک دانشگاه، بیست و پنج دانشکده (کالج) و صدها دبیرستان وجود دارد که در آنها زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شود و هزارها دانش‌آموز مستفیض می‌شوند. در کشمیر زبان و ادبیات فارسی را از سطح دیپلم تا مقطع لیسانس و فوق لیسانس تحصیل می‌کنند. تقریباً سی سال پیش در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان یکی از موضوعات تدریس می‌شد. اما چون پانزده سال قبل نصاب جدید شورای ملی برای تعلیم و تحقیق و آزمایش (NCERT) در کشمیر رایج گردید، فارسی را پس پشت انداخت و این زبان در دبیرستان‌ها به‌عنوان یکی از درس‌های اختیاری سطح دیپلم تحصیل می‌شود. لهذا دانش‌آموزان زیاد به‌این‌جانب مایل نمی‌شوند. چنانکه سبب واضح

است، ما باید اصلاً سعی بکنیم تا کمی این تلافی گردد و زبان فارسی به صورت اصلی و اولی بازگردد. اگرچه در کالجها و دانشگاه به عنوان یکی از موضوعات انتخاب توانیم کرد اما چون کسی از اصل بریده شد، وصل جستن او با اصل، نهایت مشکل است. این امر را روابط بین دولت ایران و دولت هند یا کشمیر می تواند دوباره برقرار به حال کند.

مسائل مهمی که در آموزش زبان فارسی حائل می شود این است که کتابهای درسی، نوارها و وسائل دیگر برای آموزش این زبان، ناکافی اند. کتابهای درسی که برای دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس انتخاب می شوند، حاوی بر مطالب ادبیات می باشند. از این لحاظ ما به جای زبان فارسی بیشتر با ادبیات فارسی آشنا می شویم. لهذا دانشجویان بیشتر به ادبیات فارسی نایل می آیند. آنان نمی توانند به فارسی به راحتی صحبت بکنند. آنان فارسی بلدند اما نمی توانند به فارسی حرف بزنند. این نقص را به وقت انتخاب متون درس فارسی تلافی خواهیم نمود. لازم است که کتابهای درس فارسی را آن طور ترتیب و انتخاب بکنیم که حاوی مطالب ادبیات و آموزش زبان باشند. چنانچه زبان و ادبیات فارسی سطح دیپلم و لیسانس به دو بخش، که نظم و نثر، دستور زبان و تاریخ ادبیات مشتمل باشند، می توان یک بخش را برای آموزش زبان فارسی مخصوص کرد. فوق لیسانس به شانزده درجه تخصیص می یابد و از آن میان دوازده درجه فقط به مطالب ادبیات مربوط است و فقط چهار درجه متعلق به آموزش زبان می باشد. آموزش زبان فارسی تقریباً دو سال قبل در سطح فوق لیسانس هم تدریس نمی شد، اما انتشار کتاب «آزفا» کمی به درد ما خورد. همراه شدن کتاب «آزفا» با نوارها کم از گنج باد آورده نبود و از آن وقت که کتاب «آزفا» در برنامه فوق لیسانس شامل نصاب گردید دانشجویان از آن کتاب و نوارها خیلی استفاده می کنند. این نه فقط به نزد دانش آموزان دانشگاهها، مدارس و مکاتب و دیگر جوامع سودمند است بلکه عامه مردمان هم از آن سود می برند.

استادان متعلق به زبان و ادبیات فارسی در کشمیر منابع کتابهای درسی را که حاوی متون فارسی قدیم هستند تقریباً صد در صد از کتابهای تألیف و تدوین شده در ایران و از اساتید ایران برمی گزینند و کم و کاست آن را از کتابهای تألیف شده به توسط استادان کشمیر و هند گرد می آورند. لازم است کتابهایی که روز به روز در ایران چاپ

می‌شوند و در مواردی که کتاب‌های مناسبی وجود دارد به‌دانشکده ادبیات فارسی، دانشگاه‌ها و دیگر مراکز علمی و ادبی ارسال گردند تا استادان زبان و ادبیات فارسی از تحولات ادبی و واژه‌ها و اصطلاحات، ضرب‌الامثال عادی و محاورات روزمره که در ایران بکار می‌آیند، آگاه باشند. یکی از ضرورت‌ها آن است که کتب درسی، خصوصاً در زمینه زبان‌آموزی، مطابق نیاز و احتیاج آن منطقه تدوین شود. در این زمینه بهتر است استادان ایرانی درکنار استادان کشمیری حضور یابند تا با همکاری یکدیگر کتابهای درسی را که نیاز به آموزش زبان فارسی باشد تهیه بکنند و پایه‌های مختلف مسائل خاص زبان که در کاربرد دیده می‌شود، لحاظ گردد.

برای زبان‌شناسی می‌توان گفت که هر زبان از زبان دیگر بنا بر ساخت و هیئت واژه‌ها و تاریخ زبانی فرق می‌کند و نیز آموزش زبان در یک منطقه مخصوص از جهت تاریخ و فرهنگ با منطقه دیگر متفاوت است. کشمیر از لحاظ فرهنگ خویش با منطقه‌های فارسی زبان دیگر خصوصاً با ایران هم‌جهتی دارد. کشمیر که در جهان به «ایران صغیر» شناخت پیدا کرده است، این شناخت خالی از معنی نیست؛ بلکه هر دو سرزمین از لحاظ فرهنگ از صدها سال پیش نزدیکی دارند و همچنان که قبلاً اشاره شد در زبان کشمیری شصت در صد واژه‌ها، اصطلاحات و ضرب‌الامثال فارسی عادی موجود است. چندین واژه فارسی مستقیماً به زبان کشمیری راه پیدا کرده است و درخور ذکر است که چندان تغییری از لحاظ هیئت و معانی در مرور زمان نکرده است. با در نظر گرفتن چنین حقایقی، آموزش زبان فارسی برای دانش‌آموزان چندان معتبر نیست. باید آنچنان ابزارها و وسائل فراهم کرده آیند که در آموزش زبان فارسی مُمد و معاون باشند. در این زمینه لازم است که از نوارهای مختلف و ابزارهای جدید الکترونیکی استفاده کرد و فیلم‌های سینمایی و سریال‌های کوچکی که افکار اجتماعی ایران را منعکس کنند، نمایش داده شوند. برای استادان زبان فارسی لازم است که در کلاس‌ها بسیار جدی باشند و در آموزش زبان نیازمند کتاب‌های درسی زیاد نباشند. چنانچه کتاب‌های درسی بهانه است برای رسیدن به مقصود حقیقی. در یک برنامه درسی لازم است که مسائل اجتماعی و فرهنگی و جغرافیایی یک منطقه ناآشنا به زبان فارسی را گرفته باشند و به این صورت هر برنامه می‌تواند مقبولیت زیاد پیدا کند. چنین

مسائل اجتماعی و فرهنگی، خصوصاً روزمره و عادی را می‌توان در کلاس‌ها موضوع صحبت قرار داد. برای استادان لازم است که از دانش‌آموزان تکرار کلمات و اصطلاحات را بخواهند تا آنان از لهجه و تلفظ صحیح آنها آگاه باشند و چیزهای دیگر که در این زمینه مانع باشند، دفع شوند. در طی چنین دوره‌هایی لازم است که به هیچ‌وجه کسی را اجازه ندهند که به غیر از زبان فارسی حرف بزند. زیرا این یک مسئله کلی است که انسان به‌سعی مسلسل و صحبت و گفتگوهای پیاپی لهجه و واژه در ذهن وی جا خواهند گرفت.

یک مرحله مهم در برنامه آموزش زبان فارسی، مسافرتی مختصر به ایران است تا معانی فرهنگی و مسائل اجتماعی جامعه ایران که دانشجویان در اذهان خود گرفته باشند، یک مطالعه تطبیقی به‌عمل آورند و به‌مصادق «شنیدن کی بود مانند دیدن»، از جاهای دیدنی که از لحاظ جغرافیایی و تاریخی اهمیت خاص دارند، در قلب و نظر آنان ادراک کامل و صمیم جایگزین شود.

دوره‌های بازآموزی زبان فارسی را که در هند برگزار می‌شود می‌توان در کشمیر توسعه داد و این دوره‌های بازآموزی برای استادان و دانشجویان در دانشگاه کشمیر بسیار مؤثر و مهم خواهد بود. چنانچه استادان زبان فارسی از این طریق می‌توانند با آخرین رویدادهای فرهنگی و روش‌های تدریس آشنایی پیداکنند. جا دارد اگر بگوییم که هم‌اکنون استادان کشمیری بیشتر به‌محور ادبیات فارسی قدیم مقیدند و کمتر به‌زبان‌آموزی می‌پردازند. اطلاعات آنان از جهت ادبیات معاصر خصوصاً ادبیاتی که بعد از انقلاب اسلامی به‌وجود آمده ضعیف و کم است و اطلاعات از جریان‌ات و تحولات ادبی امروز ایران ندارند. این ضرورت مقتضی به‌بازنگری است و این را در برنامه‌های آموزشی در مراکز آموزش زبان فارسی در ایران و کشمیر خواهیم دید.

برای گسترش زبان و ادبیات فارسی خصوصاً زبان‌آموزی لازم است که سایت‌های آموزشی و سی.دی. و نوارها و کتاب‌های درسی که مشتمل بر متون ساده باشند ارسال گردند. در این زمینه مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی تهران و خانه فرهنگ سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی‌نو می‌توانند کمک کنند و جمله این مواد را به‌مراکز مختلف فارسی در کشمیر ارسال نمایند.

مسئله مهمّ دیگر که در آموزش زبان فارسی باید مورد توجه باشد، این است که مجلّات و رسائلی که در ایران چاپ می‌شوند به‌کشمیر بسیار کم می‌رسند. لازم است که این مجلّات و رسائل که در آنها ساده‌نویسی برای دانش‌آموزان لحاظ شده باشد به این منطقه ارسال گردند.